

تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۲، اسفند ۱۳۸۸

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی؛ راهبرد اجرای شیوه‌های نوین تأمین مالی تعاونیها در ایران^۱

دکتر سید شمس‌الدین حسینی^۲، امیررضا سوری^۳

چکیده

نوشتار حاضر حاصل یک پژوهش میدانی است که در سال ۱۳۸۷ با هدف بررسی زمینه‌های به کارگیری مدل‌های سازمانی و راهبردهای نوین تأمین مالی در تعاونیهای ایران انجام شده است. بدین منظور دیدگاه‌های ۳۱ نفر از خبرگان بخش تعاون ارزیابی شد. نتایج این مطالعه نشان داد با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تغییرات بنیادی در مدل سازمانی تعاونی و راهبرد تأمین مالی تعاونیها صورت گرفته و بسیاری از محدودیتهای قانونی در تأمین مالی تعاونیها برداشته شده و تعاونیها مجاز به حضور در تمامی عرصه‌ها از جمله بانکداری بیمه شده‌اند. در این راستا سعی شده است چارچوب مدل‌های سنتی در حوزه تأمین مالی داخلی و خارجی تعاونیها شکسته و ابزارهای نوین جایگزین آن شود به طوری که چارچوب مدل

۱. این مقاله بخشی از نتیجه طرح پژوهشی "شیوه‌های تقویت تأمین مالی شرکتهای تعاونی در اقتصاد ایران" است که با استفاده از اعتبارات پژوهشی معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج وزارت تعاون به انجام رسیده است که بدینوسیله از آن معاونت تشکر و قدردانی می‌گردد.

e-mail: sshhosseini@yahoo.com

۲. دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

۳. دانشجوی دوره دکترای اقتصاد و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

e-mail: amirsoory@yahoo.com

سازمانی تعاونیها در ایران از مدل سنتی به سمت مدل تعاونیهای سهامی- سرمایه گذار- که هم اکنون در کشورهایی با بنیانهای نظری و عملی قوی در حوزه تعاون به کار برده می‌شود- تبدیل شده و راهبرد تأمین مالی تعاونیها نیز از تأمین مالی سنتی به سمت تأمین مالی حمایتی و به خصوص تأمین مالی مستقیم گرایش پیدا کرده است. ارزیابی دیدگاه‌های خبرگان همچنین نشان داد که مدل سازمانی تعاونی سنتی در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثر نبوده و سایر مدل‌های سازمانی و به خصوص مدل سازمانی تبدیل شدن به شرکت سرمایه‌محور بسیار مؤثر بوده‌اند. در خصوص راهبردهای تأمین مالی نیز به جز روشهای بدهی فرعی در راهبرد تأمین مالی سنتی، ذخیره سرمایه در واحد در راهبرد تأمین مالی حمایتی و دریافت وثیقه از اعضا در راهبرد تأمین مالی مستقیم، سایر روشهای این راهبردها مؤثر بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تعاون، ابزارهای نوین تأمین مالی، مدل‌های سازمانی تعاونیها، راهبردهای تأمین مالی تعاونیها

مقدمه

در هر کسب و کاری سرمایه یکی از مهمترین عوامل تولید است و کارآفرینان و سرمایه‌گذاران برای تولید محصول و یا ارائه خدمات خود نیازمند تأمین سرمایه لازم یا تأمین مالی می‌باشند. در همین راستا به دست آوردن سرمایه و تأمین مالی برای راه اندازی کسب و کار و توسعه آن همواره به عنوان مسئله‌ای جدی برای کارآفرینان و صاحبان بنگاه‌های تولیدی مطرح بوده است. صاحبان بنگاه‌های تولیدی برای شروع و ادامه فعالیت خود و در واقع بقای کسب و کار مورد نظر خویش نیازمند تأمین سرمایه لازم می‌باشند. این سرمایه می‌تواند از طرق مختلفی تأمین شود. توانایی بنگاه در مشخص ساختن منابع مالی بالقوه برای تهیه سرمایه به منظور سرمایه‌گذاری و تهیه برنامه‌های مالی مناسب از عوامل اصلی رشد و پیشرفت یک کسب

و کار به شمار می‌آیند. منابع مالی یک بنگاه می‌تواند از طریق صاحبان و سهامداران آن (منابع داخلی - سود تقسیم نشده) و یا از طریق منابع خارجی که منابعی غیر از سرمایه سهامداران می‌باشد، تأمین شود (Zimmerer & Scarborough, 1996).

بنگاه‌ها به منظور تأمین سرمایه بیشتر برای ادامه فعالیت و همچنین رشد و شکوفایی خود معمولاً به سوی بازارهای مالی روانه می‌شوند. این بازارها می‌توانند منابع متعدد مالی را با قیمت‌های مشخص در اختیار کارآفرینان و صاحبان بنگاه‌ها قرار دهند و نیازهای مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت آنها را به صورت متنوع مرتفع سازند.

شناسایی کامل و اساسی راه‌های تأمین مالی تعاونیها در هر کشور، بدون توجه به زیرساخت‌ها، و پایه‌ها و نهادهای مالی امکان پذیر نیست. در این راستا توسعه تعاونیها در هر کشور جدای از توسعه و تنوع نهادهای مالی و دگردیسی در شیوه‌های مختلف تأمین مالی آن کشور نبوده است. در سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر توسعه بخش تعاون تأکید شده است به ویژه اینکه براساس این سیاستها می‌بایست سهم بخش مذکور در اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۵ درصد از اقتصاد ملی برسد. در این راستا فرضیه اصلی مقاله این است که «روشها و روند فعلی تأمین مالی تعاونیها در ایران می‌تواند انتظارات را برآورده سازد».

در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در خصوص مدل‌های سازمانی و راهبردهای تأمین مالی تعاونیها در دنیا و تجربه کشورهای مختلف پرداخته شده است. سپس با استفاده از روش میدانی و طرح یک پرسشنامه سعی شده است با کمی کردن نتایج به دست آمده از سنجش هر یک از مؤلفه‌های تأمین مالی تعاونیها زمینه به‌کارگیری بهترین مدل سازمانی و نیز مناسبترین روشهای تأمین مالی تعاونیها در ایران شناسایی شود. در ادامه به مقایسه تطبیقی مدل‌های سازمانی و راهبردهای تأمین مالی تعاونیها در دنیا و ایران پرداخته شده و محدودیتهای قانونی فراروی تعاونیها و زمینه به‌کارگیری مدلها و راهبردهای نوین تأمین مالی تعاونیها پیش و پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تجزیه و تحلیل گردیده است.

مبانی نظری مدل‌های تأمین مالی تعاونیها

امروزه همسوبا تغییراتی که در ابعاد جهانی در شیوه‌های تجارت و مبادله پدید آمده‌است، تعاونیها نیز به منظور غلبه بر محدودیتها و مشکلات ساختارهای سنتی، مدلها و ساختارهای نوینی را جهت رویارویی با شرایط جدید تجربه می‌کنند. در این بخش از مقاله به معرفی انواع مدل‌های سازمانی تعاونی و راهبردهای تأمین مالی تعاونی می‌پردازیم.

۱. انواع مدل‌های سازمانی تعاونیها

مشکلاتی که تعاونیهای سنتی با آن مواجهند (نظیر: محدودیت منابع مالی اعضا و تحمیل فشار بیش از اندازه، مشکلات مربوط به حفظ عایدات و درآمدها، افزایش هزینه‌ها و نیازهای سرمایه‌ای، عدم افزایش نسبت و ارزش حق عضویت و مشکل سواری رایگان^۱) سبب شده است مدل‌های سازمانی جدیدی در جهت رفع این نواقص و پاسخگویی به مقتضیات بازار رقابتی در دهه‌های اخیر در حوزه تعاون به وجود آید.

چاداد و کوک (Chaddad & Cook, 2004) بر مبنای نظریه حق مالکیت شرکت، طیفی از مدل‌های سازمانی مشترک (که در نقاط مختلف دنیا دسته بندی گردیده‌اند) را در مقاله "گونه‌شناسی حقوق مالکیت در مدل‌های تعاونی" تشریح می‌نمایند. آنها استدلال می‌کنند که مدل‌های سازمانی تعاونی را می‌توان بر مبنای تعریفی که از حق مالکیت ارائه می‌شود و بر اساس نحوه تخصیص این حق به عواملی که به‌طور قراردادی با شرکت در ارتباط هستند (اعضا، حامیان، سرمایه‌گذاران خارجی)، از یکدیگر متمایز ساخت. در زیر به تشریح هر کدام از مدل‌ها می‌پردازیم:

تعاونیهای سنتی^۲: در مدل سنتی تعاونی، فارغ از تعداد سهامی که اعضا دارند، هر عضو دارای یک حق رأی می‌باشد. تأمین مالی در تعاونیهای سنتی به روشهای سرمایه‌گذاری مستقیم اعضا، سرمایه‌گذاری مجدد مازاد برگشتی اعضا و دریافت وام از نهادهای مالی

1. Free Rider Problem
2. Traditional Co-operatives

صورت می‌گیرد. حق مالکیت محدود به اعضای شرکت است و قابل انتقال، قابل افزایش و بازخريد نمی‌باشد. از سوی دیگر سود و عایدات شرکت نیز بر اساس نسبت حمایت اعضا از فعالیتهای شرکت بین آنها تقسیم می‌شود. به دلیل ساختار سنتی، این نوع تعاونیها با محدودیتهای مالی و نظارتی مواجهند (Chaddad & Cook, 2004).

تعاونیهای سرمایه‌گذاری نسبی^۱: تعاونی سرمایه‌گذاری نسبی به شرکتی اطلاق می‌شود که حقوق مالکیت در آن محدود به اعضاست و قابل انتقال، بازخريد و یا افزایش نیست. در این نوع تعاونیها تأمین مالی تنها از طریق اعضا و به نسبت سرمایه‌ای که دارند، صورت می‌گیرد. این نوع تعاونیها سیاستهای مدیریت سرمایه را برای حصول اطمینان از تناسب سرمایه‌های ایجاد شده در داخل اجرا می‌نمایند (همان منبع، ۳).

تعاونیهای عضو- سرمایه‌گذار^۲: عضویت در این نوع تعاونیها محدود به اعضا- حامیان می‌باشد و حق عضویت در آنها قابل انتقال و بازخريد نمی‌باشد. توزیع سرمایه میان اعضا برحسب نسبت سهام به علاوه میزان حمایت آنها از فعالیتهای تعاونی توزیع می‌شود (همان منبع، ۳).

تعاونیهای نسل جدید^۳ (NGC): برخلاف تعاونیهای سرمایه‌گذاری نسبی و تعاونیهای عضو سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاری اعضا در تعاونیهای نسل جدید به حق مالکیت مربوط نمی‌شود بلکه با "حق واگذاری"^۴ ارتباط دارد. این نوع تعاونیها که در اواخر دهه پایانی قرن بیستم و در پی افزایش مشکلات تأمین مالی تعاونیها توسعه یافتند، بیشترین گسترش را در بخش تعاونیهای کشاورزی داشته‌اند. اعضا در این نوع تعاونیها ملزم به واگذاری مقدار خاصی از محصولانشان طی یک دوره خاص و بر طبق قراردادی مشخص به تعاونی‌اند و تعاونی نیز ملزم به دریافت محصولات و بازاریابی آنها در بازار می‌باشد. عضویت در این نوع تعاونیها آزاد نیست و حق مالکیت به اعضای شرکت محدود است. حق واگذاری نیز تنها به تولیدکنندگان واجد شرایط با تأیید هیئت مدیره قابل انتقال می‌باشد (همان منبع، ۴).

1. Proportional Investment Co-operatives
2. Member Investor Co-operatives
3. New Generation Co-operatives
4. Delivery Right

تعاونیهایی با واحدهای مستقل دارای سرمایه در حال افزایش^۱: یکی از راه‌های جذب منابع مالی جدید برای تعاونیها، ائتلاف و تشکیل تراست می‌باشد. تعاونیهایی با واحدهای مستقل دارای سرمایه در حال افزایش، با تشکیل این ائتلافها و تراستها، به‌طور غیر مستقیم منابع مالی لازم برای ادامه فعالیت خود را کسب می‌کنند. در این نوع تعاونیها، سرمایه‌گذاران حق مالکیت را با تشکیل یک واحد حقوقی مستقل و مجزا که تمام یا بخشی از آن به تعاونی تعلق دارد، کسب می‌کنند. منابع مالی سرمایه‌گذاران خارجی به‌طور مستقیم در تعاونی وارد نمی‌گردد بلکه از طریق ائتلافهای راهبردی و تراستها به تعاونیها تزریق می‌شود (همان منبع، ۴).

تعاونیهای سهامی - سرمایه‌گذار: در تعاونیهای سهامی - سرمایه‌گذار، تعاونی سرمایه‌سهم افراد غیرعضو را بدون تبدیل شدن به شرکت سرمایه‌محور (IOF) جذب می‌کند. در این نوع تعاونیها، سرمایه‌گذاران غیر عضو در کنار اعضای تعاونی، حق مالکیت دریافت می‌کنند. گروه‌های مختلف سهام در این مدل ایجاد می‌شوند که ممکن است حقوق متفاوتی از جنبه نرخ بازگشت، تحمل ریسک، میزان کنترل، قابلیت بازخرید و قابلیت انتقال برای دارنده آن به همراه داشته باشند (همان منبع، ۴).

تبدیل شدن به شرکتهای سرمایه‌محور: تبدیل شدن به شرکت سرمایه‌محور، راهبردی خروجی است که تعاونی تصمیم می‌گیرد ساختار سازمانی را اقتباس نماید که در آن اعضا مالک نیستند و کنترل شرکت را در دست ندارند. اغلب به این فرایند، تجدید ساختار گفته می‌شود که در قالب آن حق عضویت تعاونی به حق مالکیت سهام عادی نامحدود در چارچوب ساختار یک شرکت تجاری تبدیل می‌شود. غالب این فرایند با یک پذیره نویسی عمومی همراه است که برای سازمان جدید امکان افزایش سرمایه را فراهم می‌آورد. با توجه به توضیحات ارائه شده در خصوص مدل‌های سازمانی، اگر مدل تعاونیهای سنتی و مدل تبدیل شدن به شرکت سرمایه‌محور را دو سر یک پیوستار در نظر بگیریم، مدل‌های

1. Co-operatives with Capital Raising Entities
2. Investor Share Co-operatives
3. Conversion to Investor Owned Firm (IOF)

تعاونیهای سرمایه‌گذاری نسبی، تعاونیهای عضو- سرمایه‌گذار، تعاونیهای نسل جدید، تعاونیهای واحدهای مستقل با سرمایه در حال افزایش و تعاونیهای سهامی- سرمایه‌گذار از جمله مدل‌های جدیدی هستند که در میانه این طیف جای می‌گیرند. هر یک از این مدلها در مقایسه با مدل سنتی موجود، مزایا و معایبی دارند و بسته به شرایط، برای انواع تعاونیها با اندازه و ساختار متفاوت می‌توانند کاربرد داشته باشند (همان منبع، ۵).

هر چند با اصلاحاتی در مدل سنتی و با به کارگیری مدل‌های فوق به جای تبدیل کامل آن به مدل سرمایه‌محور، محدودیتهای سنتی مربوط به حق مالکیت کم می‌شود و روند تأمین مالی تعاونیها تسهیل می‌گردد، اما ساختارهای جدید نیز می‌توانند، هزینه‌هایی را بر سازمان تحمیل کنند. به‌طور خاص، اعضا ممکن است مجبور به تسهیم سود و در نهایت حق مالکیت و نظارت خود با سرمایه‌گذاران غیرعضو شوند که بدین ترتیب واگرایی منافع ایجاد می‌شود. تعارض اهدافِ حداکثر نمودن منافع بازگشتی به سرمایه‌گذاران یا به اعضا می‌تواند از دیگر پیامدهای به کارگیری مدل‌های فوق باشد. از این رو تغییرات و پیامدهایی که در نتیجه طراحی مجدد ساختاری و سازمانی رخ می‌دهد، همواره باید مدنظر مدیران تعاونیها قرار گیرد (همان منبع).

۲. راهبردهای تأمین مالی تعاونیها

به‌طور کلی راهبردهای تأمین مالی تعاونی به ۳ دسته سنتی، حمایتی و مستقیم طبقه‌بندی می‌شوند (Von Pischke and Rouse, 2004).

۱.۲. راهبرد تأمین مالی سنتی

این راهبرد را انواع تعاونیهای سنتی و مدل‌های غیر سنتی مورد اشاره به کار می‌برند و شامل روشهای زیر است^۱:

- تأمین مالی از طریق بانک و سایر نهادهای مالی^۲: دریافت مستقیم وام و تأمین مالی از طریق نهادهای مالی و بانکها (همان منبع، ۲۱).

1. Canadian Agricultural Co-ops. Capitalization: Issues and Challenges: Strategies for the Future, Final Report, Corporate Finance, November 29, 2002, P20.
2. Bank Financing

- سهام اعضا (سرمایه سهام عادی - سهام به ارزش رسمی)^۱: هر عضو بر مبنای شرایط عضویت باید تعداد معینی از سهام را خریداری کند و سهام بر مبنای ارزش اولیه (اسمی) قابل بازخرید می‌باشد و در بیشتر موارد ارزش این نوع سهام قابل افزایش نیست. در این روش باید ارزش اسمی، شرایط بازپرداخت و توزیع سود در قانون و اساسنامه شرکت تعیین شود (همان منبع، ۲۱).

- سرمایه سهام تخصیص نیافته، ذخایر^۲: در این مدل، تعاونی بخشی از عایدات خالص خود را به منظور افزایش سرمایه ذخیره می‌نماید. بنابراین استفاده از این روش، مستلزم کسب سود توسط تعاونی می‌باشد. در این روش باید میزان وجوهی که در نظر است به طور سالانه به عنوان ذخیره از خالص عایدات کنار گذاشته و در قانون و اساسنامه شرکت تعیین شود (همان منبع، ۲۱).

- استقراض از نهادهای وام‌دهنده تخصصی^۳: تأمین منابع مالی لازم از یک نهاد وام‌دهنده که به طور تخصصی به تعاونیها یا یک صنعت خاص ارائه خدمات می‌نماید (همان منبع، ۲۱).
- بدهی فرعی^۴: این روش مشابه استقراض از بانک می‌باشد، لیکن بدهی فرعی نوعی وام (یا سند بهادار) است که به لحاظ بازپرداخت به بعد از پرداخت سایر وامها یا اوراق بهادار موکول می‌شود. در واقع با توجه به وضعیت مالی شرکت و میزان کفاف داراییها و درآمدها، در تناسب با تعهدات شرکت تعاونی، بازپرداخت آنها در مقایسه با سایر بدهیها در اولویتهای بعدی قرار می‌گیرند و تا زمانی که بدهیهای اصلی (مقدم) به طور کامل پرداخت نگردند، بازپرداخت بدهیهای فرعی (مؤخر) شرکت تعاونی صورت نمی‌گیرد (همان منبع، ۲۲).

۲.۲. راهبرد تأمین مالی حمایتی

این راهبرد را تعاونیهایی که به سرمایه گذاریهای اعضا با سطوح حمایتی متکی هستند، به کار می‌گیرند (همان منبع، ۲۳)

1. Member Shares (Ordinary Share Capital- Per Value Share)
2. Unallocated Equity, Reserves
3. Specialist Lenders
4. Subordinated Debt

- برنامه سرمایه پایه^۱: در این روش، تعاونی تعیین می‌کند که هر عضو چه مقدار باید بر مبنای حجم عملیات یا عملکرد تعاونی در شرکت سرمایه‌گذاری نماید. اعضا می‌توانند در طی زمان و از طریق ذخیره مازاد بازگشتی حمایتی خود به مبنای سرمایه تعیین شده برسند. در قالب این روش، ارزیابیهای دوره‌ای به منظور تعیین وضعیت سرمایه‌گذاری اعضا (اینکه آیا بالاتر یا پایین‌تر از این مبنای سرمایه‌گذاری کرده‌اند) باید انجام بگیرد. در صورت پایین‌تر بودن، اعضا باید سرمایه‌گذاری نمایند و در صورت بالاتر بودن، عضو می‌تواند بخشی از سرمایه خود را بازخرید نماید یا اجازه دهد سایر اعضا آن را خریداری نمایند. زمانی که اعضا به سطح مبنای تعیین شده دست یافتند، تمام یا بخش عمده‌ای از پرداختهای حمایتی خود را به صورت نقد دریافت می‌کنند و در زمانی که اعضا سازمان را ترک می‌نمایند، تعاونی سهام سرمایه‌گذاری شده آنها را در چندین مقطع بازخرید می‌کند. در این روش باید شرایط سرمایه‌گذاری، بازخرید و نرخ بازگشتی در قانون و یا اساسنامه تعاونی تشریح شده باشد (همان منبع ۲۳).

- اوراق ظرفیت^۲: این شیوه، اعطای وام از سوی اعضا به شرکت تعاونی به منظور افزایش تولید تا سطح ظرفیت کامل است. در واقع نوعی تأمین مالی از اعضا برای استفاده از ظرفیتهای خالی فصلی است. در این روش باید شرایط بازپرداخت و نرخ بهره در قانون یا اساسنامه شرکت تعیین شده باشد (همان منبع، ۲۴).

- طرحهای اجباری مشارکت در سهام^۳: مشابه برنامه‌های سرمایه پایه، اعضا باید براساس میزان استفاده خود از خدمات شرکت تعاونی در تأمین سرمایه شرکت مشارکت کنند، هرچند رسیدن به سرمایه مبنای الزامی نیست. در این روش می‌توان عایدات این سرمایه‌ها را به عنوان پاداش به اعضای اختصاص داد که در بلندمدت سرمایه بیشتری اندوخته‌اند. این روش تا زمانی که اعضای پیشگفته به حمایت خود از تعاونی ادامه می‌دهند می‌تواند تداوم داشته باشد. در این روش باید قوانین در برگیرنده ارزش سهام، حق رأی دهی و مبادله را در قانون و یا بندهای اساسنامه تعاونی تعیین کرد (همان منبع، ۲۴).

1. Base Capital Plan
2. Capacity Notes
3. Compulsory Share Contribution Schemes

- ذخیره مازاد برگشتی (صدور سهام بیشتر از میزان سود)^۱: بخشی از سود تعلق گرفته به اعضا عمدتاً بر اساس میزان استفاده آنها از خدمات تعاونی برای تأمین مالی صدور سهام جدید به کار گرفته می‌شود. این سهام جایگزین تأمین وجوه از خارج تعاونی است و در واقع امکان انباشت وجوه بیشتر را از داخل شرکت فراهم می‌آورد. در این روش باید شرایط بازخرید، نرخ بازگشت و حق رأی در قانون و یا اساسنامه شرکت تعیین شوند. همچنین نحوه پرداخت مالیات تعاونی و آثاری که می‌تواند نرخ مالیاتی به جا بگذارد باید مورد توجه قرار گیرد (همان منبع، ۲۵).

- انتشار سهام جایزه و رأی سود^۲: مشابه روش ذخیره مازاد برگشتی می‌باشد با این تفاوت که توزیع سود بر مبنای سرمایه سهام موجود اعضا صورت می‌گیرد (نه بر مبنای میزان استفاده آنها از خدمات تعاونی) (همان منبع، ۲۵).

- صندوق بازنشستگی اعضا^۳: در این روش تعاونی بخشی از وجوه بازگشتی یا عایدات را به نسبت سطح مبادله یا همکاری اعضا با تعاونی پس‌انداز می‌کند و به تناسب دوره بازنشستگی به آنها می‌پردازد. در این روش باید شرایط ذخیره‌سازی و نگهداری، نرخ بازگشت و بازخرید در قانون و یا اساسنامه تعاونی تعیین شود (همان منبع، ۲۵).

- واحدهای مشارکتی^۴: به عنوان ورودیه به تعاونی - مشابه حق عضویت - سرمایه‌گذاران ملزم به خرید واحدهای مشارکتی به تناسب میزان محصول تحویلی به تعاونی هستند. مالکیت واحدهای مشارکتی به لحاظ قانونی قابل انتقال نیست. صاحبان این واحدها حق رأی ندارند، ضمن اینکه به‌طور سالانه برنامه ارزشیابی برای تعیین قیمت هر واحد صورت می‌پذیرد. هیچ پرداختی به صاحبان این واحدها ارائه نمی‌شود و تنها در صورت خروج از تعاونی به ارزش فعلی قابل بازخرید هستند. تعداد واحدها، شرایط انتقال و نحوه ارزشیابی باید در قانون و یا اساسنامه شرکت تعاونی تعیین شود (همان منبع، ۲۶).

1. Retained Patronage Refunds (Issue of Shares out of Profit)
2. Issue of Bonus Share out of Profits
3. Members' Retirement Funds
4. Participation Units

- ذخیره سرمایه بر حسب واحد^۱: در این روش، سرمایه لازم بر حسب حجم مبادله اعضا با تعاونی و با هدف جبران هزینه‌های اعضایی که با تعاونی تعامل داشته‌اند، اخذ و ذخیره می‌شود و ذخایر یا سود توزیع نشده از عواید فروش کاهش می‌یابند؛ به عبارتی سود بیشتری بین اعضا توزیع می‌شود. در شکل دیگری از این روش، اعضا به ازای حجم خاصی از مبادله با تعاونی، برای جبران هزینه‌هایشان کمک مالی دریافت می‌کنند. در این روش باید سطح ذخیره سرمایه در هر واحد و یا هزینه مبادله، در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین شود (همان منبع، ۲۶).

- برنامه‌های سرمایه چرخشی یا ذخایر سرمایه چرخشی^۲: در این روش اعضا باید به صورت سالانه بر مبنای حجم مبادله با تعاونی به سرمایه سهام کمک کنند. این سهام سرمایه به طور معمول چندین سال بعد به اعضا برگشت داده می‌شود. همزمان با ورود منابع مالی جدید به ساختار سرمایه تعاونی، سرمایه‌های قدیمی هر ساله از دور خارج می‌شوند و سرمایه تعاونی در یک چرخه قرار می‌گیرد. عموماً به این وجوه بهره یا سودی تعلق نمی‌گیرد. سودهای انباشتی می‌توانند به عنوان سرمایه تعاونی در نظر گرفته شوند و در زمان انحلال شرکت، بعد از پرداخت بدهیهای فاقد وثیقه، همراه با سایر اشکال سرمایه برای ابقای تعهدات رتبه‌بندی شوند. در این روش لازم است نحوه ارائه کمکهای سالانه، شرایط بازخرید و انحلال در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین شوند (همان منبع، ۲۷).

- وامهای چرخشی (ذخایر چرخشی)^۳: در این روش اعضا باید بخشی از تخفیفهایی را که از سوی تعاونی به آنها تعلق می‌گیرد، در شرکت برای یک دوره زمانی خاص (برای مثال ۵ سال) سرمایه گذاری نمایند. بعد از این مدت زمان، وجوه ذخیره شده در سال اول با استفاده از ذخیره سود سال ششم به اعضا برگردانده می‌شود و همین طور الی آخر. این بدین معنی است که سرمایه آخرین سال پیش از آنکه سرمایه‌های صادر شده در سالهای بعدی پرداخت شوند،

1. Per Unit Capital Retains
2. Revolving Capital
3. Revolving Loans (Revolving Reserves)

باز پرداخت می شود. در این روش لازم است شرایط بدهی، دوره نگهداری، برنامه بازپرداخت و نرخ بهره در قانون یا اساسنامه شرکت مشخص شود.

۳.۲. راهبرد تأمین مالی مستقیم

این گروه، شامل راهبردهایی است که امکان سرمایه گذاری (مستقیم که با میزان استفاده از خدمات تعاونی مرتبط نیستند) را هم برای اعضا و هم افراد غیر عضو فراهم می کند (همان منبع، ۲۸).

-واحدهای تجهیز سرمایه تعاونی^۱: واحد تجهیز سرمایه تعاونی (CCU) یک دارایی شخصی منعطف است که می تواند به عنوان سرمایه طراحی شود و یا برخی عناصر یک ابزار وام را داشته باشد و براساس شرایط صدور می تواند در هر کجا در طول پیوستاری از یک سهم ممتاز قابل بازخرید تا یک سند قرضه عادی سازمان دهی شود. CCU نوعی سرمایه است؛ البته این سرمایه، سرمایه سهام تعاونی نیست. دارنده CCU از همان حقوقی برخوردار است که دارنده سهم عادی بهره مند می باشد. هر دارنده CCU یک حق رأی در جلسات دارندگان CCU دارد. در صورتی که ۷۵ درصد دارندگان CCU موافقت نمایند و دارنده CCU حقوقی نداشته باشد یا حقوق یک عضو را نداشته باشد، حقوق آنها می تواند تنها بر مبنای نحوه صدور سهام متغیر باشد. CCU می تواند هم برای اعضا و هم افراد غیر عضو صادر شود. تعاونیها تنها در صورتی می توانند CCU صادر نمایند که شرایط صدور به تأیید اعضا رسیده باشد. دارنده سهم CCU از حقوق اعضا برخوردار نیست و به عنوان عضو در نظر گرفته نمی شود. برای حصول اطمینان از اینکه سرمایه اعضا کاهش پیدا نکند، CCU ها ممکن است جدای از سودی که در صورت عدم صدور CCU برای تقسیم در دسترس خواهد بود، یا جدای از عواید صدور سهام جدید یا CCU ای که صدور آن تأیید شده است، بازخرید شوند. از آنجا که CCU ها بخشی از سرمایه سهام تعاونی نیستند، بازخرید آنها کاهشی در سرمایه سهام تعاونی ایجاد نمی کند. در این روش لازم است شرایط مربوط به حق رأی، نرخهای بهره و نحوه مبادله در قانون تعاون یا اساسنامه تعاونی قید شود (همان منبع، ۲۸).

1. Cooperative Capitalization Unites (CCUs)

- سرمایه‌گذاری مستقیم^۱: در این روش اعضا معمولاً به‌طور مستقیم، در زمان شکل‌گیری تعاونی به منظور تأمین مالی تعاونی در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذاری می‌تواند در قالب خرید سهام عادی یا ممتاز، صدور گواهی عضویت یا سایر گواهیهای سرمایه‌گذاری اعضا باشد. در این روش باید شرایط مربوط به ارزش سهام، نحوه بازخرید، نرخ بازگشتی و حق رأی در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین شود (همان منبع، ۲۸).

بازار مستثنی^۲: در این روش یک بازار مستثنی و خاص برای مبادله یک نوع سهام خاص تعاونی ایجاد می‌شود. شرکتهای واسطه^۳ بازاری را با قوانین و مقرراتی مشابه با آنچه در بازارهای بورس وجود دارد، ایجاد می‌کنند؛ البته محدودیتهای بازار عمومی سهام بر اساس حق رأی متمایز در آن وجود ندارد. برای مثال یک تعاونی می‌تواند سهام با حق رأی برای اعضایش صادر کند و در همان حال سهامی بدون حق رأی برای سرمایه‌گذاران خارجی صادر نماید. اصولاً در این حالت سود تقسیمی و قیمت سهام برای هر دو نوع سهام صادر شده مشابه می‌باشد و تنها تفاوت به نوع سهام صادر شده مربوط است. شرکت واسطه در این روش عملیات معامله سهام را به عهده دارد و حق معلق کردن مبادلات و تحقیق در خصوص اطلاعات شرکتهای را نیز در اختیار دارد. همچنین یک شرکت حسابرسی عموماً برای پیش‌بینی و نظارت بر عملیات بازار نیز در نظر گرفته می‌شود. در این روش لازم است اجازه استفاده از این روش در قانون یا اساسنامه تعاونی قید شده باشد و همچنین باید از سوی سازمان بورس و اوراق بهادار منطقه، عملیات آن تأیید شده باشد (همان منبع، ۲۹).

سند تعهد^۴: در این روش اعضا برای یک دوره زمانی خاص، وجوه مالی خود را به دست تعاونی می‌سپارند و تعاونی نیز توافق و تعهد می‌نماید تا حجم خاصی از سود را پس از طی این دوره به آنها بپردازد. در صورت انصراف، هر یک از اعضا مراتب را به اطلاع شرکت

1. Direct Investment

2. Exempt Market

۳. شرکتهایی نظیر Robobank Austock

4. Debentures

می‌رساند و در صورت تأخیر در این کار جریمه خواهد شد. در این روش شرایط مربوط به بازپرداخت سود، دوره زمانی نگهداری وجوه توسط تعاونی و چگونگی رأی‌دهی (در صورت وجود) باید در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین شوند (همان منبع، ۲۹).

- سهام سرمایه‌گذاری / گواهینامه (صدور سهام ممتاز)^۱: در این روش انواع متفاوت سهام که فاقد حق رأی یا حقوق فرعی دیگری هستند و به وسیله اعضا و یا افراد غیر عضو قابل خرید می‌باشند، صادر می‌شوند. به این نوع سهام ممکن است بهره تعلق گیرد و یا دارنده آن در تقسیم سود سهیم باشد. این نوع سهام اغلب در بازارهای ثانویه مبادله می‌شوند. در این روش باید شرایط صدور، حق رأی‌دهی، نرخ بازگشت و قابلیت انتقال در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین شود (همان منبع، ۲۹).

- سهام ممتاز قابل بازخرید^۲: این روش متفاوت از گواهینامه سرمایه‌گذاری می‌باشد و سهام صادر شده در این روش قابل انتقال نیست. به دارندگان این نوع سهام سود تعلق می‌گیرد و سهام مذکور فاقد حق رأی‌دهی است و در صورت کناره‌گیری عضو، قابل بازخرید می‌باشد. این نوع سهام طراحی شده است تا بخشی از رشد دارایی تعاونی برای اعضا آزاد شود. در این روش لازم است شرایط مربوط به صدور سهام، ارزش سهام و حقوق رأی‌دهی در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین شود (همان منبع، ۲۹).

- اوراق قرضه محلی^۳: این نوع سهام نوعی اوراق قرضه می‌باشد که از طریق اجتماع محلی تأمین مالی می‌شود (همان منبع، ۲۹).

- طرحهای سهام کارکنان^۴: در این روش برای مدیریت و یا کارکنان، سهام صادر می‌شود، به نحوی که آنها می‌توانند دارای حق مالکیت شوند و یا در طرحهای موفق شرکت سهیم باشند. در این روش لازم است نوع خاصی از سهام با شرایط مربوط به ارزش آن، محدودیت انتقال و نرخ بازگشت آن در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین شود (همان منبع، ۳۰).

1. Investment Shares/Certificates (Preferred Stock Issue)
2. Redeemable Preference Shares
3. Community Bonds
4. Employee Share Schemes

- دریافت وثیقه از اعضا^۱: در این روش، در مقابل وجوه استقراضی برای انجام طرحهای عملیاتی، از اعضا وثیقه دریافت می شود (همان منبع، ۳۰).

- عایدات حاصل از مبادله با افراد غیر عضو^۲: در این روش، وجوه مالی مورد نیاز، از عایدات مبادله با افراد غیر عضو تأمین می شود. در این روش باید ماهیت و چارچوب معامله و تجارت با افراد غیر عضو در قانون یا اساسنامه تعاونی تعیین گردد. همچنین نرخ مالیات، نوع عایدات و شرایط پرداخت آن باید در نظر گرفته شوند (همان منبع، ۳۰).

- درصدی از کل سهام^۳: در این روش هر ساله تعاونی عایدات شرکت را ذخیره می کند و بر مبنای منطقی و منظم، هیئت مدیره درصدی از کل سهام را بدون توجه به سالی که صادر شده اند، بازخرید می کند. در این روش باید شرایط بازخرید و بهره در قانون یا اساسنامه تعاونی مشخص شده باشد (همان منبع، ۳۱).

۳. بررسی تجربه کشورها

در بررسی نحوه به کارگیری مدل‌های سازمانی تعاونی و راهبردهای تأمین مالی تعاونیها، سعی شده است تا اولاً از میان قاره‌های مختلف دنیا نمونه‌هایی مناسب از جهت شرایط و مختصات جغرافیایی و ثانیاً کشورهایی با بنیانهای نظری و عملی قوی در حوزه تعاون انتخاب شوند. در این راستا ۱۰ کشور آمریکا، کانادا، استرالیا، فرانسه، هلند، آلمان، دانمارک، هند، مالزی، آفریقای جنوبی جهت بررسی انتخاب شده‌اند.

۱.۳. بررسی به کارگیری مدل‌های سازمانی تعاونی در کشورهای منتخب

در کشورهای مختلف تعاونیها بسته به شرایط حاکم در این کشورها و میزان آزادی عملی که در اختیار دارند، مدلها و ساختارهای متنوعی را به منظور غلبه بر مشکلات مالی و مدیریتی خود تجربه کرده‌اند. جدول ۱ وضعیت کلی مدل‌های سازمانی به کار رفته در کشورهای منتخب را نشان می‌دهد.

1. Guarantees from Members
2. Non-Members Earnings
3. Percent of all Equities

جدول ۱. مدل‌های سازمانی تعاونی در کشورهای منتخب

کشورهای منتخب	آمریکا	کانادا	استرالیا	فرانسه	هند	آلمان	دانمارک	هند	مالزی	آفریقای جنوبی
تعاونی سرمایه گذاری نسبی	✓		✓			✓		✓		
تعاونی عضو - سرمایه گذار	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓
تعاونی نسل جدید	✓	✓	✓					✓	✓	✓
تعاونی با سرمایه در حال افزایش		✓	✓			✓		✓		✓
تعاونیهای سهامی - سرمایه گذار	✓		✓	✓	✓	✓	✓	✓		
تبدیل شدن به شرکت سرمایه معجور	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓			

مأخذ: یافته‌های پژوهشی

۲.۳. بررسی به کارگیری راهبردهای تأمین مالی تعاونیها در کشورهای منتخب

شواهد حاصل از مطالعات نشان می‌دهد که روش "جامعی" برای تجهیز سرمایه و تأمین مالی تعاونیها وجود ندارد تا بتوان آن را به عنوان یک الگو ارائه داد؛ چرا که هر تعاونی دارای شرایط ویژه و ساختار منحصر به فرد می‌باشد. بنابراین نمی‌توان یکی از راهبردهای یادشده را به عنوان بهترین ابزار برای تأمین مالی تعاونیها معرفی کرد. به علاوه عموماً تعاونیها روشهای تأمین مالی خود را در طول زمان تغییر داده و بیش از یک نوع ابزار را بسته به نیازها و برنامه‌های آتی خود انتخاب کرده‌اند. نکته مهم در خصوص به کارگیری هر یک از راهبردهای یادشده تأمین مالی این است که این ابزارها باید به خوبی از سوی اعضا درک و ماهیت آنها مشخص شود. نکته مهم دیگر که تعاونیها هنگام استفاده از یک راهبرد خاص باید مدنظر قرار دهند، این است که آنها تا چه حد می‌خواهند از مدل سنتی تعاونی، به ویژه با توجه به معیارهای زیر، فاصله بگیرند: حق رأی اعضا و افراد غیر عضو، قابل افزایش بودن سهام اعضا و افراد غیر عضو، توزیع مازاد برگشتی، دامنه فعالیت افراد غیر عضو و قابل انتقال بودن سهام برای اعضا و افراد غیر عضو. همچنین مانع مشترک فراروی تأمین مالی تعاونیها اغلب میل به محدود کردن حق رأی و در نتیجه کاهش دامنه کنترل سرمایه گذاران خارجی بر امور تعاونی است. بدین لحاظ

برنامه‌ها و طرح‌های تجهیز سرمایه با استفاده از افراد غیر عضو (که امکان کنترل منطقی سرمایه‌گذاران خارجی بر امور تعاونی را فراهم نمی‌آورند) موفقیت محدودی در تمامی مناطقی که این راهبردها را به کار گرفته‌اند، داشته‌اند. در زیر وضعیت کلی کاربرد راهبردهای تأمین مالی تعاونیها در کشورهای منتخب ذکر شده است (منابع ۸، ۱۰ و ۱۱):

- راهبرد تأمین مالی سنتی: بانک و سایر نهادهای مالی، سهام اعضا (سرمایه سهام عادی - سهام به ارزش رسمی)، سرمایه سهام تخصیص نیافته، ذخایر، استقراض از نهادهای وام دهنده تخصصی و بدهی فرعی (در کشورهای استرالیا، کانادا، آمریکا، اروپا)؛
- راهبرد تأمین مالی حمایتی: برنامه سرمایه پایه (استرالیا، آمریکا)، اوراق ظرفیت (استرالیا)، طرح‌های اجباری مشارکت در سهام (استرالیا، کانادا، هلند)، ذخیره مازاد برگشتی (صدور سهام بیشتر از میزان سود) (استرالیا)، انتشار سهام جایزه و رأی سود (استرالیا، کانادا، آمریکا)، وجوه بازنشستگی اعضا (استرالیا، کانادا، آمریکا)، واحدهای مشارکتی (هلند)، ذخیره سرمایه در واحد (استرالیا، کانادا، فرانسه، هلند، آمریکا)، برنامه‌های سرمایه چرخشی یا ذخایر سرمایه چرخشی (استرالیا و آمریکا)، وام‌های چرخشی یا ذخایر چرخشی (آمریکا)؛
- راهبرد تأمین مالی مستقیم: بازار مستثنی (استرالیا، هلند)، سند تعهد (استرالیا، آمریکا)، سهام سرمایه‌گذاری / گواهینامه (صدور سهام ممتاز) (استرالیا، کانادا، آمریکا)، سهام ممتاز قابل بازخرید (استرالیا، کانادا، آمریکا)، اوراق قرضه محلی (کانادا)، طرح‌های سهام کارکنان (استرالیا، کانادا)، دریافت وثیقه از اعضا (استرالیا، کانادا، آمریکا)، عایدات حاصل از مبادله با افراد غیر عضو (استرالیا، هلند)، درصدی از کل سهام (آمریکا).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از حیث داده‌ها یک تحقیق کیفی و در بررسی ادبیات و مستندات از نوع کتابخانه‌ای و در بررسی و تعیین مدل تحلیل محیطی از نوع میدانی است. روش تحقیق از حیث روش، استنتاجی - توصیفی است.

جامعه مورد بررسی در این تحقیق خبرگان بخش تعاونند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع غیراحتمالی و هدفمند است. در نمونه‌گیری هدفمند، واحدهای نمونه که به نظر محقق نماینده جامعه هستند، انتخاب می‌شوند. مزایای این نوع نمونه‌گیری این است که محقق می‌تواند از مهارت و دانش خود در انتخاب پاسخ‌دهندگان استفاده کند^۱. با توجه به اینکه هدف از توزیع پرسشنامه در این پژوهش به دست آوردن اطلاعات مشورتی از خبرگان در مورد مدل‌های سازمانی تعاونی و راهبردهای نوین تأمین مالی تعاونیها در ایران بوده، از نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شده است. در این مرحله، ۳۱ نفر از خبرگان با تجربه در زمینه تعاونیها و با تحصیلات بالا (کارشناسی ارشد و دکتری) و مسئولیتهای بالای اجرایی و مشاوره‌ای در وزارت تعاون به عنوان نمونه انتخاب شدند تا به تکمیل پرسشنامه بپردازند.

در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، از دو روش کتابخانه‌ای و مصاحبه و تکمیل پرسشنامه استفاده شده است.

طبق مدل نظری، سؤالات در دو بخش طراحی شد: ۱. تأثیر مدل‌های نوین سازمانی تعاونیها بر تأمین مالی تعاونیها در ایران و ۲. تأثیر راهبردهای نوین تأمین مالی تعاونیها بر تأمین مالی تعاونیها در ایران. گویه‌ها در این پژوهش بر مبنای طیف لیکرت^۲ به صورت ۵ گزینه‌ای و با نمره وسط ۳ طراحی شده و از پاسخ‌دهندگان خواسته شده به هر یک از عوامل مذکور در پرسشنامه بر روی یک طیف پنج گزینه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد نمره ای بدهند که ارزش عددی خیلی کم برابر ۱ و خیلی زیاد برابر ۵ در نظر گرفته شده است. روایی و پایایی پرسشنامه با استفاده از روش محتوایی و ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۶) بررسی شد.

پرسشنامه این پژوهش دارای دو سؤال اصلی و در مجموع ۳۳ سؤال می‌باشد. کلیه سؤالات، فرضیه‌ای را پوشش می‌دهد و در این باره نظر پاسخ‌دهندگان (خبرگان بخش تعاون)

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به ایران نژاد (۱۳۸۲) رجوع شود.

2. Likert Scale

در مورد هر کدام از مؤلفه‌های فرضیه مربوط در قالب یک سؤال جویا شده است. بنابراین، پژوهش شامل ۳۳ فرضیه می‌باشد که با بررسی این فرضیات می‌توان در جهت رد یا تأیید هر کدام از آنها گام برداشت. برای آزمون فرضیات از آماره آزمون t استفاده شده است. در این تحقیق، آزمونها با ضریب اطمینان ۹۵ درصد (سطح معنی داری ۰/۰۵) صورت گرفته‌اند. میانگین امتیاز بیشتر از ۳ افراد به عنوان فرضیه صفر (H_0) و میانگین کمتر از ۳ به عنوان فرضیه مقابل (H_1) تلقی می‌شود:

$$\begin{cases} H_0 : & \mu > 3 \\ H_1 : & \mu < 3 \end{cases}$$

نتایج و بحث

در این بخش از مقاله به بررسی مؤلفه‌های فرضیات پژوهش می‌پردازیم. فرضیات با تحلیل پاسخهای پرسشنامه، مقایسه نتایج و بررسی رابطه اطلاعات و سؤالات مختلف مورد تجزیه تحلیل قرار گرفتند.

۱. آزمون فرضیات پژوهش و توصیف داده‌ها

۱.۱. آزمون فرضیات میزان تأثیر مدل سازمانی در تأمین مالی تعاونیها

۷ سؤال ابتدایی پرسشنامه در جهت پاسخگویی به سؤال اصلی اول یعنی: «هر کدام از مدل‌های سازمانی تعاونی چقدر در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند؟» است. در این باره چنانکه از جدول ۲ نیز پیداست، به غیر از مدل سازمانی تعاونی سنتی، بقیه مدلها در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند.

جدول ۲. آزمون فرضیات میزان تأثیر مدل سازمانی در تأمین مالی تعاونیها

رد	نوع مدل سازمانی تعاونی	میانگین رتبه	واریانس	انحراف معیار	آماره آزمون t	نتیجه
۱	سستی	۲/۳	۱/۳	۱/۱	-۳/۲	رد
۲	سرمایه گذاری نسبی	۳/۶	۱/۵	۱/۲	۲/۸	قبول
۳	عضو- سرمایه گذار	۳/۷	۱/۰	۱/۰	۳/۹	قبول
۴	نسل جدید	۳/۶	۰/۹	۰/۹	۳/۳	قبول
۵	تعاونی با واحدهای مستقل دارای سرمایه در حال افزایش	۳/۷	۱/۲	۱/۱	۳/۸	قبول
۶	سهامی - سرمایه گذار	۳/۵	۱/۷	۱/۳	۲/۰	قبول
۷	تبدیل شدن به شرکت سرمایه محور	۳/۵	۱/۸	۱/۳	۲/۳	قبول

مأخذ: نتایج پژوهش

۲.۱. آزمون فرضیات روشهای تأمین مالی در راهبرد تأمین مالی سستی

بقیه سؤالات پرسشنامه در جهت پاسخگویی به سؤال اصلی دوم یعنی: «هر کدام از روشهای تأمین مالی چقدر در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند؟» است. در این راستا چنانکه از جدول ۳ نیز پیداست، در راهبرد تأمین مالی سستی، به غیر از روش تأمین مالی بدهی فرعی، بقیه روشها در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند.

جدول ۳. آزمون فرضیات روشهای تأمین مالی در راهبرد تأمین مالی سستی

رد	نوع روش تأمین مالی	میانگین رتبه	واریانس	انحراف معیار	آماره آزمون t	نتیجه
۸	بانک و سایر نهادهای مالی	۴	۰/۴	۰/۶	۸/۷	قبول
۹	سهام اعضا	۳/۵	۱/۳	۱/۱	۲/۸	قبول
۱۰	سرمایه سهام تخصیص نیافته، ذخایر	۳/۴	۱/۰	۱/۰	۲/۵	قبول
۱۱	استقراض از نهادهای وام دهنده تخصصی	۳/۴	۰/۷	۰/۸	۲/۷	قبول
۱۲	بدهی فرعی	۲/۴	۱/۰	۱/۰	-۲/۹	رد

مأخذ: نتایج پژوهش

۳.۱. آزمون فرضیات روشهای تأمین مالی در راهبرد تأمین مالی حمایتی

سؤالات ۱۳ تا ۲۲ به روشهای تأمین مالی تعاونیها از طریق راهبرد تأمین مالی حمایتی پرداخته است (جدول ۴). نتایج نشان می دهد که در راهبرد تأمین مالی حمایتی به غیر از روش ذخیره سرمایه در واحد، بقیه روشها در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند.

جدول ۴. آزمون فرضیات روشهای تأمین مالی در راهبرد تأمین مالی حمایتی

ردیف	نوع روش تأمین مالی	میانگین	واریانس	انحراف معیار	آماره آزمون t	نتیجه
۱۳	برنامه سرمایه پایه	۳/۵	۱/۲	۱/۱	۲/۵	قبول
۱۴	اوراق ظرفیت	۳/۵	۱/۴	۱/۲	۲/۵	قبول
۱۵	طرحهای اجباری مشارکت در سهام	۳/۴	۱/۴	۱/۲	۲/۰	قبول
۱۶	ذخیره مازاد برگشتی	۳/۴	۱/۳	۱/۱	۲/۳	قبول
۱۷	انتشار سهام جایزه ورأی سود	۳/۶	۱/۶	۱/۲	۲/۶	قبول
۱۸	وجوه بازنشستگی اعضا	۳/۵	۱/۷	۱/۳	۲/۲	قبول
۱۹	واحدهای مشارکتی	۳/۵	۱/۷	۱/۳	۲/۲	قبول
۲۰	ذخیره سرمایه در واحد	۲/۶	۰/۷	۰/۸	-۲/۰	رد
۲۱	برنامه های سرمایه چرخشی یا ذخایر سرمایه چرخشی	۳/۵	۱/۴	۱/۱	۲/۳	قبول
۲۲	وامهای چرخشی (ذخایر چرخشی)	۳/۶	۱/۵	۱/۲	۲/۷	قبول

مأخذ: نتایج پژوهش

۴.۱. آزمون فرضیات روشهای تأمین مالی در راهبرد تأمین مالی مستقیم

سؤالات ۲۳ تا ۳۳ به روشهای تأمین مالی تعاونیها از طریق راهبرد تأمین مالی مستقیم پرداخته است. همان طور که نتایج جدول ۵ نشان می دهد، در راهبرد تأمین مالی مستقیم، به غیر از روش دریافت وثیقه از اعضا، بقیه روشها در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند.

جدول ۵. آزمون فرضیات روشهای تأمین مالی در راهبرد تأمین مالی مستقیم

ردیف	نوع روش تأمین مالی	میانگین	واریانس	انحراف معیار	آماره آزمون t	نتیجه
۲۳	واحدهای تجهیز سرمایه تعاونی	۳/۵	۱/۱	۱/۰	۲/۷	قبول
۲۴	سرمایه گذاری مستقیم	۳/۶	۰/۶	۰/۸	۴/۰	قبول
۲۵	بازار مستثنی	۳/۵	۱/۱	۱/۰	۲/۵	قبول
۲۶	سند تعهد	۳/۴	۱/۲	۱/۱	۲/۱	قبول
۲۷	سهام سرمایه گذاری / گواهینامه (صدور سهام ممتاز)	۳/۵	۰/۹	۰/۹	۳/۰	قبول
۲۸	سهام ممتاز قابل بازخريد	۳/۴	۱/۱	۱/۰	۲/۲	قبول
۲۹	اوراق قرضه محلی	۳/۵	۱/۳	۱/۱	۲/۶	قبول
۳۰	طرحهای سهام کارکنان	۳/۵	۱/۴	۱/۱	۲/۲	قبول
۳۱	دریافت وثیقه از اعضا	۲/۳	۰/۸	۰/۹	-۳/۹	رد
۳۲	عایدات حاصل از مبادله با افراد غیر عضو	۳/۵	۱/۶	۱/۲	۲/۲	قبول
۳۳	درصدی از کل سهام	۳/۵	۱/۰	۱/۰	۳/۱	قبول

مأخذ: نتایج پژوهش حاضر

۲. ارزیابی شیوههای تأمین مالی تعاونیها در ایران

در این بخش از مقاله به بررسی مدلها و راهبردهای تأمین مالی تعاونیها پیش و پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می‌پردازیم.

۱.۲. بررسی مدلهای سازمانی تعاونیها پیش و پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قوانین مرتبط با آن و تأکید آن بر افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵٪ تا آخر برنامه پنجساله پنجم، تغییرات بنیادی در تعاونیها به وجود آمد و سعی شد چارچوب مدلهای سنتی در حوزه تأمین مالی داخلی و خارجی شکسته و به جای آن مدلها و راهبردهای نوین تأمین مالی تعاونیها جایگزین شوند. در این رویکرد، در حوزه تأمین مالی داخلی و از طریق سرمایه سهمی اعضا، کلیه شرکتها و

اتحادیه‌های تعاونی مجاز شدند در بدو تأسیس یا هنگام افزایش سرمایه تا سقف ۴۹٪ سهام خود را با رأی حداکثر ۳۵٪ کل آرا و تصدی کرسیهای هیئت مدیره به همین نسبت به شرط عدم نقض حاکمیت اعضا و رعایت سقف معین برای سهم و رأی هر سهامدار غیرعضو که در اساسنامه معین می‌شود، به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرعضو واگذار نمایند. این امر برای اشخاص غیرایرانی نیز با رعایت مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی مجاز شد. در مجمع عمومی انواع اتحادیه‌های تعاونی نیز میزان رأی اعضا متناسب با تعداد اعضا و میزان سهام یا حجم معاملات آنها با اتحادیه یا تلفیقی از آنها، وفق اساسنامه تعاونی تعیین گردید.

علاوه بر این، تدابیر لازم جهت تأسیس تعاونیهای جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن به تفصیل در قانون^۱ تعیین شده است، پیش‌بینی گردید و محدودیت حضور تعاونیها در تمامی عرصه‌ها از جمله بانکداری و بیمه رفع شد.

در حوزه تأمین مالی خارجی نیز دولت موظف شد از تشکیل و توسعه تعاونیها از طریق روشهایی از جمله تخفیف مالیاتی، تخفیف حق بیمه سهم کارفرما، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور حمایت کند و از هرگونه دریافت اضافی تعاونیها نسبت به بخش خصوصی پرهیز نماید.

در این راستا همچنین مقرر شد صندوق تعاون - که به عنوان یک مؤسسه اعتباری پشتیبان بخش تعاون فعالیت می‌کرد و از منابع ناچیزی نسبت به بانکها برخوردار بود - به بانک توسعه تعاون تبدیل شود، لذا بانک توسعه تعاون با سرمایه اولیه معادل پنج هزار میلیارد ریال از محل حساب ذخیره ارزی توسط دولت برای تأمین منابع سرمایه‌ای بخش تعاون تشکیل شد و کلیه شعب صندوق تعاون با کلیه امکانات، دارایی و نیروی انسانی به بانک توسعه تعاون واگذار شد.

۱. در ماده ۱۲ قانون "اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجزای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی" مصوب سال ۱۳۸۷، سقف معین مالکیت هر یک از سهامداران مشخص شده است.

با تحولاتی که در بالا ذکر شد می‌توان گفت مدل سازمانی تعاونیها در ایران از مدل سنتی به مدل تعاونیهای سهامی - سرمایه گذار - که هم اکنون در کشورهایی با بنیانهای نظری و عملی قوی در حوزه تعاون به کار برده می‌شود - تبدیل شده است. در این مدل تعاونیها، سرمایه گذاران غیر عضو در کنار اعضای تعاونی، حق مالکیت دریافت می‌کنند و گروه‌های مختلف سهام در این تعاونیها ایجاد می‌شود که این مسئله ممکن است حقوق متفاوتی از جنبه نرخ بازگشت، تحمل ریسک، میزان کنترل، قابلیت بازخرید و قابلیت انتقال برای دارنده آن به همراه داشته باشد. گفتنی است طبق مطالعه میدانی، این مدل سازمانی در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثر می‌باشد به گونه‌ای که ۶۵/۵ درصد خبرگان نیز معتقد بودند که این مدل سازمانی در حد زیاد و خیلی زیاد در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثر بوده است.

۲.۲. بررسی راهبردهای تأمین مالی تعاونیها پیش و پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

۱.۲.۲. نحوه تأمین مالی تعاونیها پیش از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

در جدول ۶ به مقایسه تطبیقی راهبردهای نوین تأمین مالی و راهبرد تأمین مالی تعاونیها در ایران پیش از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پرداخته شده است. چنانکه مشاهده می‌شود، راهبرد تأمین مالی تعاونیها در ایران همان قالب تأمین مالی سنتی است و از راهبردهای نوین تأمین مالی تعاونی در جهان نظیر تأمین مالی حمایتی و تأمین مالی مستقیم که پیشتر به آنها اشاره شد، فاصله دارد.

جدول ۶. مقایسه تطبیقی راهبردهای نوین تأمین مالی و راهبرد تأمین مالی تعاونیها در ایران

پیش از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی^۱

کاربرد در ایران	منع قانونی برای ایران	چارچوب قانونی برای ایران	نوع روش تأمین مالی	راهبرد تأمین مالی
+	-	+	بانک و سایر نهادهای مالی	راهبرد تأمین مالی سنتی
+	-	+	سهام اعضا (سرمایه سهام عادی - سهام به ارزش رسمی)	
+	-	+	سرمایه سهام تخصیص نیافته، ذخایر	
+	-	+	استقراض از نهادهای وام دهنده تخصصی	
-	-	-	بدهی فرعی	راهبرد تأمین مالی حمایتی
-	+(قانون تعاون)	-	برنامه سرمایه پایه	
-	-	-	اوراق ظرفیت	
-	+(قانون تعاون)	-	طرحهای اجباری مشارکت در سهام	
-	-	-	ذخیره مازاد برگشتی (صدور سهام بیشتر از میزان سود)	
-	-	-	انتشار سهام جایزه ورأی سود	
-	-	-	وجه بازنشستگی اعضا	
-	-	-	واحدهای مشارکتی	
-	-	-	ذخیره سرمایه در واحد	
-	-	-	برنامه های سرمایه چرخشی یا ذخایر سرمایه چرخشی	
-	-	-	وامهای چرخشی (ذخایر چرخشی)	

۱. علامت مثبت به مفهوم آن می باشد که چارچوب قانونی و یا روش تأمین مالی مورد در نظر ایران وجود دارد و علامت منفی عکس آن است.

ادامه جدول ۶

-	-	-	واحدهای تجهیز سرمایه تعاونی	راهبرد تأمین مالی مستقیم
+	-	+	سرمایه گذاری مستقیم	
-	+(قوانین بازار سرمایه)	-	بازار مستثنی	
-	-	-	سند تعهد	
-	+(قانون تعاون)	-	سهام سرمایه گذاری / گواهینامه (صدور سهام ممتاز)	
-	-	-	سهام ممتاز قابل باز خرید	
-	+(قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت)	-	اوراق قرضه محلی	
-	-	-	طرحهای سهام کارکنان	
-	-	-	دریافت وثیقه از اعضا	
-	-	-	عایدات حاصل از مبادله با افراد غیر عضو	
-	-	-	درصدی از کل سهام	

مأخذ: نتایج پژوهش

در قالب راهبرد تأمین مالی سنتی، چارچوب قانونی لازم برای روشهای تأمین مالی این شیوه نظیر بانک و سایر نهادهای مالی، سهام اعضا، سرمایه سهام تخصیص نیافته، ذخایر، استقرار از نهادهای وام دهنده تخصیصی در قانون بخش تعاون دیده شد و مورد استفاده نیز قرار گرفت. در خصوص روش بدهی فرعی نیز منع قانونی وجود نداشت ولی مورد استفاده هم قرار نگرفت.

در راهبرد تأمین مالی حمایتی از روشهایی نظیر برنامه سرمایه پایه، اوراق ظرفیت، طرحهای اجباری مشارکت در سهام، ذخیره مازاد برگشتی (صدور سهام بیشتر از میزان سود)، انتشار سهام جایزه و رأی سود، وجوه بازنشستگی اعضا، واحدهای مشارکتی، ذخیره سرمایه در واحد، برنامه های سرمایه چرخشی یا ذخایر سرمایه چرخشی و وامهای چرخشی (ذخایر

چرخشی) استفاده نمی‌شد و چارچوب قانونی لازم برای این گونه روشهای تأمین مالی نیز در ایران پیش بینی نشده بود و به جز روشهای برنامه سرمایه پایه و طرحهای اجباری مشارکت در سهام که منع قانونی داشتند، برای بقیه روشها منع قانونی در ایران وجود نداشت ولی تاکنون نیز مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

از میان روشهای راهبرد تأمین مالی مستقیم تنها چارچوب قانونی روش تأمین مالی سرمایه گذاری مستقیم در ایران وجود داشت و مورد استفاده قرار می‌گرفت. همچنین باید افزود که روش بازار مستثنی با قوانین بازار سرمایه، روش سهام سرمایه گذاری / گواهینامه (صدور سهام ممتاز) با قانون بخش تعاون تناقض قانونی داشتند و روش اوراق قرضه محلی از لحاظ شرعی در ایران ممنوع بود هرچند قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت به عنوان جایگزینی برای انتشار اوراق قرضه نیز تنها تعاونیهای تولیدی را مجاز به انتشار اوراق مشارکت کرده بود.

۲.۲.۲. نحوه تأمین مالی تعاونیها پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و قوانین مرتبط با آن و تأکید آن بر افزایش سهم بخش تعاونی، تغییرات بنیادی در نحوه تأمین مالی تعاونیها به وجود آمد. در جدول ۷ به مقایسه تطبیقی راهبرد نوین تأمین مالی و راهبرد تأمین مالی تعاونیها در ایران پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پرداخته شده است. همان طور که مشاهده می‌شود، راهبرد تأمین مالی تعاونیها در ایران از قالب تأمین مالی سنتی به راهبردهای نوینتری نظیر تأمین مالی حمایتی و تأمین مالی مستقیم گرایش یافته است.

جدول ۷. مقایسه تطبیقی راهبرد های نوین تأمین مالی و راهبرد تأمین مالی تعاونیها در ایران

پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

راهبرد تأمین مالی	نوع روش تأمین مالی	چارچوب قانونی برای ایران	منع قانونی برای ایران	کاربرد در ایران	نظر خبرگان
راهبرد تأمین مالی سستی	بانک و سایر نهادهای مالی	+	-	+	+
	سهام اعضا (سرمایه سهام عادی - سهام به ارزش رسمی)	+	-	+	+
	سرمایه سهام تخصیص نیافته، ذخایر	+	-	+	+
	استقراض از نهادهای وام دهنده تخصصی	+	-	+	+
	بدهی فرعی	-	-	-	-
راهبرد تأمین مالی حمایتی	برنامه سرمایه پایه	+	-	-	+
	اوراق ظرفیت	-	-	-	+
	طرحهای اجباری مشارکت در سهام	+	-	-	+
	ذخیره مازاد برگشتی (صدور سهام بیشتر از میزان سود)	+	-	-	+
	انتشار سهام جایزه ورأی سود	-	-	-	+
	وجوه بازنشستگی اعضا	-	-	-	+
	واحدهای مشارکتی	-	-	-	+
	ذخیره سرمایه در واحد	-	-	-	-
	برنامه های سرمایه چرخشی یا ذخایر سرمایه چرخشی	-	-	-	+
	وامهای چرخشی (ذخایر چرخشی)	-	-	-	+
راهبرد تأمین مالی مستقیم	واحدهای تجهیز سرمایه تعاونی	-	-	-	+
	سرمایه گذاری مستقیم	+	-	+	+
	بازار مستثنی	-	+(قوانین بازار سرمایه)	-	+
	سند تعهد	+	-	+	+
	سهام سرمایه گذاری/ گواهینامه (صدور سهام ممتاز)	+	-	+	+
	سهام ممتاز قابل بازخرید	+	-	+	+
	اوراق قرضه محلی	+	-	+	+
	طرحهای سهام کارکنان	+	-	+	+
	دریافت وثیقه از اعضا	+	-	+	-
	عایدات حاصل از مبادله با افراد غیر عضو	+	-	+	+
درصدی از کل سهام	+	-	+	+	

مأخذ: نتایج پژوهش

در راهبرد تأمین مالی سنتی و روشهای تأمین مالی آن پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تغییری به وجود نیامده و تنها نکته مهم اینکه روش بدهی فرعی که منع قانونی برای آن در ایران وجود نداشته و تاکنون نیز مورد استفاده قرار نگرفته است، از نظر خبرگان در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثر نمی‌باشد.

در خصوص روشهای تأمین مالی راهبرد حمایتی تغییرات اساسی در نگرش تأمین مالی از طریق سرمایه سهمی اعضا به وجود آمد و محدودیتهای قانونی که در روشهای تأمین مالی راهبرد حمایتی وجود داشت، نظیر منع قانونی برنامه سرمایه پایه و طرحهای اجباری مشارکت در سهام، برداشته شد و برای روشهای ذخیره مازاد برگشتی (صدور سهام بیشتر از میزان سود) و انتشار سهام جایزه و رأی سود به نوعی چارچوب قانونی لازم با تصویب قوانین جدیدی نظیر «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجزای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» به وجود آمد. در خصوص سایر روشهای تأمین مالی این راهبرد نیز مانند پیش از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی منع قانونی در ایران وجود ندارد ولی تاکنون نیز مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. طبق نظر خبرگان، همگی روشهای تأمین مالی این راهبرد به جز روش ذخیره سرمایه در واحد، در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند.

پس از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بیشترین تغییرات در روشهای تأمین مالی مستقیم دیده شد به طوری که محدودیتهای قانونی سهام سرمایه گذاری / گواهینامه برداشته شد و با تغییر نگرش در تأمین مالی از طریق سرمایه سهمی اعضا به نوعی چارچوب قانونی لازم برای روشهای سهام سرمایه گذاری / گواهینامه ، سهام ممتاز قابل بازخريد فراهم شد. همچنین برای روشهای سند تعهد و دریافت وثیقه از اعضا (در قالب تعاونیهای اعتبار)، طرحهای سهام کارکنان، عایدات حاصل از مبادله با افراد غیر عضو و درصدی از کل سهام (در قالب شرکت سهامی عام) و اوراق قرضه محلی - در صورتی که انتشار اوراق مشارکت را به عنوان جایگزینی برای اوراق قرضه در نظر بگیریم این روش نیز مجاز شده است - با تصویب قوانین جدیدی نظیر قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجزای سیاستهای کلی اصل

۴۴ قانون اساسی به نوعی چارچوب قانونی پیش‌بینی شد. گفتنی است روش بازار مستثنی همچنان به دلیل نبود بازاری خاص برای سهام تعاونیها با قوانین بازار سرمایه مغایرت دارد. طبق نظر خبرگان، همگی روشهای تأمین مالی این راهبرد به جز روش دریافت وثیقه از اعضا در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند.

جمع‌بندی و پیشنهاد

با توجه به اینکه روشها و روند فعلی تأمین مالی تعاونیها در ایران نمی‌توانست انتظارات را محقق سازد، با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فناوری و افزایش رقابت‌پذیری و سطح عمومی اشتغال در اقتصاد ملی و نیز افزایش سهم بخش تعاون به ۲۵ درصد اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم توسعه، تغییرات بنیادی در مدل سازمانی تعاونی و راهبرد تأمین مالی تعاونیها ایجاد شد به طوری که تعاونیهای کشور که در قالب مدل‌های سنتی اداره می‌شدند و به لحاظ تأمین مالی فاقد روشها، نهادها و انعطاف‌پذیری لازم بودند، متحول شدند و بسیاری از محدودیتهای قانونی در تأمین مالی تعاونیها برداشته شد و تعاونیها مجاز به حضور در تمامی عرصه‌ها از جمله بانکداری و بیمه شدند. در این راستا چارچوب مدل سازمانی تعاونیها در ایران از مدل سنتی به سمت مدل نوین تعاونیهای سهامی - سرمایه‌گذار تبدیل شده و راهبرد تأمین مالی تعاونیها نیز از راهبرد تأمین مالی سنتی به سمت راهبرد تأمین مالی حمایتی و به خصوص راهبرد تأمین مالی مستقیم گرایش پیدا کرده است.

از طرفی بررسی نظر خبرگان در این پژوهش نشان داد که مدل سازمانی تعاونی سنتی در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثر نمی‌باشد و سایر مدل‌های سازمانی و به خصوص مدل سازمانی تبدیل شدن به شرکت سرمایه‌محور در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثرند. در خصوص راهبردهای تأمین مالی نیز به جز روشهای بدهی فرعی در راهبرد تأمین مالی سنتی،

ذخیره سرمایه در واحد در راهبرد تأمین مالی حمایتی و دریافت وثیقه از اعضا در راهبرد تأمین مالی مستقیم، سایر روشهای این راهبردها در تأمین مالی تعاونیها در ایران مؤثر می‌باشند. با توجه به مطالب فوق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. از آنجا که در کشورهای مختلف تعاونیها بسته به شرایط حاکم در این کشورها و میزان آزادی عملی که در اختیار دارند، روشهای متنوعی را به منظور غلبه بر مشکلات مالی و مدیریتی خود به کار می‌برند، لذا مناسب است وزارت تعاون با ایجاد کانونهای مشاوره، روش استفاده از یک یا ترکیبی از این ابزارهای نوین تأمین مالی را به تعاونیها آموزش دهد.
۲. با توجه به اینکه بسته به نوع تعاونی و ابزارهای نوین مالی، مواردی باید در اساسنامه تعاونیها تعیین و مشخص شود، مناسب است که کارشناسان وزارت تعاون راهنماییها و مساعدتهای لازم را در تدوین اساسنامه به تعاونیها ارائه دهند؛ البته بهتر است جهت تسریع در کار، آن وزارتخانه اساسنامه‌های تیپیک آماده کند و در اختیار تعاونیها قرار دهد.
۳. وزارت تعاون و دستگاه‌های ذیربط اقدام به جذب و آموزش کارشناسان و مشاوران خبره در خصوص مدل‌های سازمانی و راهبرد های نوین تأمین مالی تعاونیها در ایران نمایند.
۴. وزارت تعاون می‌تواند با برگزاری دوره‌های عملی و آموزشی مناسب و مستمر، علاوه بر ارتقای بهره‌وری تعاونیها، روش استفاده از این ابزارهای نوین تأمین مالی را به آنها آموزش دهد.

منابع

۱. ایران نژاد پاریزی، مهدی (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، نشر مدیران، تهران، ص ۴۶.
۲. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، صص ۵۱-۵۲.
۳. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
۴. قانون تعاون مصوب سال ۱۳۷۷.

۵. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجزاء سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مصوب سال ۱۳۸۷.

6. Zimmerer W. Thomas and Norman Scarborough (1996), *Entrepreneurship and the New Venture Formation*, prentice Hall International Edition, P17.

7. Chaddad, Fabio and Michael Cook (2004), Understanding new cooperative models: an ownership rights topology of co-operative models, *R. Agr.Econ.*, 26:348-360

8. Chaddad, Fabio and Michael Cook (2003), *The Emergence of Non-Traditional Cooperative Structures: Public and Private Policy Issues*, October 29, Kansas City, Missouri, PP.2-31.

9. Von Pischke, J.D. and John G. Rouse (2004), New strategies for mobilizing capital in agricultural cooperatives, Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome, 34: 64-73.

10. Canadian Agricultural Co-ops. Capitalization: Issues and Challenges: Strategies for the Future, Final Report, Corporate Finance, November 29, 2002, 20: 27-34.

11. Rajesh Agarwal, K.V., K. Raju, R. Prathap Reddy, Srinivasan and M.S. Sriram (1994), *Successful Capital Formation Strategies for Agricultural Cooperatives in India*. Institute of Rural Management, Anand (IRMA). PP.29-35.